

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۸/۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۲/۱۸

شیرین بزرگمهر^۱، منظر محمدی^۲

پوشاک، هنرهای تجسمی، معماری: گفتمانی بینامتنی

چکیده

پوشاک از عناصر مهم فرهنگ مادی در همه جوامع است و تحول آن پیرو همان عوامل متحول‌کننده هنر صورت می‌گیرد. از این رو برای مطالعه گفتمان میان این دو، باید شاخص‌های مشترک زیبایی‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی را مورد بررسی قرار داد. در تحلیل این گفتمان، مطالعه ظاهر و ساختار تولید و نیز زمینه پیدایش گرایش‌های مد لباس و هنر، به مثابه متن، معانی پنهان و نهفته و تعامل آنها را آشکار می‌کند. مرور تاریخ تحول هنر و پوشاک غرب، از تمدن یونان باستان تا آغاز عصر مدرن، تناسب آن را با گرایش‌های عمومی دوران نشان می‌دهد. با آغاز سده بیستم، مد وارد میدان کنش دوسویه‌ای با جنبش‌های نوپای هنری شد و در اهمیت دادن به «فرم» و «کارکرد»، با آن جنبش‌ها همگام گردید. رویکرد مفهومی به هنر، موجب شد طراحان و هنرمندان، لباس را چونان ابزاری برای تشکیک در هویت، جنسیت، تاریخ، و معیارهای زیبایی‌شناسی به کار گیرند. تطابق نظری فلسفه مد پسامدرن با قلمرو هنر نو، سبب شد که مد به رسانه‌ای برای انتقال هنر معاصر، و زبانی گویا در بیان زیبایی‌شناختی تبدیل شود.

کلیدواژه‌ها: مُد، بینامتنیت، مدرن، پسامدرن.

۱. دانشیار دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: shirinbozorgmehr@yahoo.com

۲. دانشجوی دوره دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران

E-mail: manzar_1356@yahoo.com